

یادداشت

مساله اصلی برداشتن تحریم‌هاست



جعفر فاردپاشی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

مذاکرات احیای برجام به مراحل پایانی خود رسیده اما در این میان در هر شرایطی باید مساله اصلی را مورد توجه داشته باشیم. اینکه مساله به چه عنوانی مطرح می‌شود و آیا تحت عنوان احیای برجام مساله مطرح می‌شود یا به عنوان مذاکراتی دیگر یا توافق دیگر چندان اهمیتی ندارد. مهم این است که هدف ما از این حضور و مذاکره چیست؟ هدف ما برداشته شدن کل تحریم‌ها بدون هیچ تبصره و شرط و شروط تازه‌ای است. در واقع تضمینی که اثبات کند حق ما بنابرست در شرایط مختلف پیامال نشود. لذا اصلی‌ترین مساله برداشته شدن تحریم‌ها بدون هیچ شرط و تبصره دیگری است. خط‌مشی غربی‌ها اینگونه است که اگر امتیازی هم به ایران می‌دهند حداقل امتیاز باشد و حداقل خواسته‌های ایران را تامین کنند. لذا منتی که اکنون از سوی اروپایی‌ها تهیه شده باید ابعاد مختلفش بررسی شود. ممکن است در الفاظ، جمله‌ها و فزاهایی که در این متن آمده جاهایی برای سوءاستفاده غربی‌ها به‌طور پنهانی باز گشاده شده باشد. لذا باید این منافذ را پیدا کرد که در کدام بند، جمله یا واژه این پیش‌نویس غربی‌ها خط‌مشی گذشته خود را اعمال کرده‌اند تا مثل سابق به تعهدات خود عمل نکنند. لذا این است که قاعدتا باید مورد بررسی دقیق کارشناسان حقوق بین‌الملل، روابط بین‌الملل و مسائل هسته‌ای قرار گیرد و آنها بنشینند و ابعاد مختلف این پیش‌نویسی که به همه طرفین برجام ارائه شده تا نظر قطعی خود را در خصوص آن بیان کنند را بررسی کنند، چراکه طی یک دهه گذشته از طرف مقابل شگردها و ترفندهای مختلفی در راستای بدعهدی و کارشکنی مشاهده کرده‌ایم. لذا مساله ساده نیست و کاملاً دشوار است و به نظر می‌رسد که مانیز باید برای آنکه بتوانیم به حقوق کامل خود دست پیدا کنیم به جای وکیل باید کارآگاه استخدام کنیم. چون در برابر کشورمان تبهکارانی نشست‌اند که حاضرند حق ملت‌ها را نادیده بگیرند. در نتیجه ضمن مشورت و بهره‌گیری از کارشناسان و صاحب نظران در این امور باید از ظرفیت یک کارآگاه بین‌المللی نیز بهره ببریم تا ببینیم طرفین مقابل این بار ممکن است که چه شگردی را در این توافق به کار برده باشند و چه سوءاستفاده‌ای بکنند. لذا طبیعی است که این متن باید به دقت خوانده و بررسی شود. هرچند که هنوز متن در اختیار هیچ‌کس قرار داده نشده پس از ارائه متن باید ابعاد مختلف آن بررسی شود و در نقاطی که جای سوءاستفاده برای غربی‌ها گذاشته پیدا و اصلاح شود تا غربی‌ها نتوانند از آنها سوءاستفاده کنند.

در پیچشه

کورش احمدی:

مسائل پادمان می‌تواند

یکی از مهم‌ترین موانع باشد

یک کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل در خصوص ارزیابی دور اخیر مذاکرات وین اظهار داشت: به نظر این دور از مذاکرات به نوعی ادامه مذاکرات دوحه بود. به لحاظ شکلی مذاکره غیرمستقیم بین ایران و آمریکا انجام می‌شد و مدیران سیاسی سه کشور اروپایی حضور نداشتند. در دوحه طرفین موضوعات باقی‌مانده را به‌همراه برخی ایده‌های جدید از سوی اتحادیه اروپا مرور کرده بودند. در فاصله بین دوحه تا وین، جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ظاهراً بر مبنای آنچه در دوحه گذشته بود و مشورت با کشورهای ۱۰+۵، متنی را که از مارس گذشته روی میز است، کمی تا قسمتی تعدیل کرد و در ۲۱ ژوئیه به ایران و آمریکا ارائه داد. همچنین، بورل طی مقاله‌ای در فایننشال تایمز قضیه را توضیح داد با این هدف که قدری چاشنی فشار افکار عمومی و فشار دولت‌ها را هم وارد معادله کند. کورش احمدی گفت: با چنین مقدمه‌ای، ایران و آمریکا با اطلاع از موضوعات باقی‌مانده در متن و با آمادگی و کسب دستورالعمل‌های لازم در وین حاضر شدند. شواهد و قرائن حاکی از آن است که نه‌تنها نماینده اتحادیه اروپا به عنوان تسهیل‌کننده و بر اساس برداشت خود از مواضع طرفین راه‌حلی‌ها را برای برخی موضوعات باقی‌مانده وارد متن کرده که به نظر می‌رسد شامل تعیین تکلیف ۲۷ دوربین برجامی در تاسیسات هسته ایران که خاموش شده‌اند، نحوه انتقال اورانیوم ۶۰ درصد غنی شده و به فلز تبدیل شده به خارج از ایران و حل مساله تضمین‌های مورد نظر ایران از طریق تضمین مداوم توافقات اقتصادی منعقد بین ایران و شرکت‌های بین‌المللی در صورت خروج آمریکا از برجام در آینده باشد. (البته مورد تضمین هم در قطعنامه ۲۲۳۱ و هم در متن برجام ۱۳۹۴ مورد تأکید قرار گرفته است.) متن به عنوان یک متن نهایی ۲۵ صفحه‌ای به طرفین داده شده و گویا طرفین باید یا آن را بپذیرند یا رد کنند. وی افزود: به گفته بورل آنچه که باید مذاکره می‌شد، مذاکره شده و اکنون زمان تصمیم است. بنا به گفته یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ظاهر این متن برای آمریکا قابل قبول است. در صورت پذیرش طرفین، وزرای خارجه برای اعلام رسمی آن به وین خواهند رفت. این متن در صورت نهایی شدن، مشخص می‌کند که هر یک از دو طرف چه اقداماتی برای بازگشت به برجام باید انجام دهند. این کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل در این خصوص که آیا این امکان وجود دارد که موضوع پادمانی جدا از دیگر موضوعات توافق مورد بررسی قرار بگیرد موضعی که برخی از مقامات اروپایی مطرح می‌کنند ولی ایران معتقد است که باید پرونده موضوعات پادمانی نیز حل شود و بعد از آن توافق امضا شود تا مسائل پادمانی به عنوان اهرم فشار از سوی طرف‌های مقابل علیه ایران به کار گرفته نشود؟ اظهار کرد: هنوز تکلیف مسائل پادمانی روشن نشده و این موضوع می‌تواند یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه باشد. در ارتباط با مسائل پادمانی ما تجربه دور قبلی در سال ۹۴ را پیش‌رو داریم. کاری که در آن دوره شد این بود که به‌طور همزمان در یک روز، یعنی ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵، هم توافق برجام نهایی شد و هم یک «فتحه راه برای روشن سازی مسائل گذشته و حال برنامه هسته‌ای ایران» به امضای رئیس‌سازمان انرژی اتمی ایران و رئیس‌آژانس یعنی آقایان صالحی و آمانو رسید.

سیدمحمدعلی ایازی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پروژه

روشنفکری دینی

متوقف نشده است

صد او سیما تنها سخنگوی یک بخش از قرائت دینی است

تا زمانی که نهاد دین وجود دارد روشنفکری دینی و نواندیشی دینی وجود دارد

باید همه طیف‌های فکری فرصت ارائه دیدگاه‌های خود را داشته باشند



آرمان ملی – احسان انصاری: دینداری و دین‌مداری در جامعه امروز در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا پروژه روشنفکری دینی در ایران به پایان رسیده است؟ چرا نوآوندیشان و روشنفکران دینی مانند گذشته جریان ساز نیستند؟ برای پاسخ به این سوالات «آرمان ملی» با سیدمحمدعلی ایازی، استاد دانشگاه و پژوهشگر و عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم گفت‌وگو کرده است. ایازی در این زمینه معتقد است: «به صورت طبیعی اگر حکومت از کار آبی لازم برای حل مشکلات مردم برخوردار باشد نگاهی که مردم به حکومت و دین به صورت همزمان دارند مثبت خواهد بود و در حالت عکس اگر ناکارآمدی وجود داشته باشد مردم با نگاه منفی به موضوع نگاه می‌کنند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

روشنفکری دینی در ایران در مقطعی نقش مهمی در جریان سازی فکری در جامعه داشت. چرا نقش روشنفکری دینی نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است؟

در مرحله نخست باید مشخص کنیم که چه تفسیری از روشنفکری دینی داریم. من شخصاً به نواندیشی دینی اعتقاد دارم و نه روشنفکری دینی. پیش بگیریم باید از مسیر نواندیشی دینی صورت بگیرد. روشنفکری دینی نیز در جایگاه خود قابل بحث و بررسی است. به صورت کلی هر گاه سخن از اصلاح دینی با چالش‌های دینی مواجه می‌شویم دو جریان فکری در مقابل آن قرار می‌گیرند. نخست جریان سنتی است که نسبت به همه آن چیزی که در دین وجود دارد مقاومت می‌کند و همان را بناقرار می‌دهد. گروه دوم کسانی هستند که بر این باورند که باید دین را روزآمد کرد و بر اساس تحولات و نیازهای دوران معاصر به آن پاسخ داد. جریان اصلاح‌اندیشه دینی نیز به دو جریان تقسیم می‌شود. یک جریان که بر این باور است که بر اساس آموزه‌ها و اصول ذاتی دین این اصلاح صورت بگیرد. گروه دوم اما معتقد است که باید درباره مسائل دینی تجدیدنظر صورت گرفته و آنها را مورد بازبینی قرار داد. من بر این باور هستم تا زمانی که جامعه و نهاد دین وجود دارد امر دینی ممکن است شکل‌های مختلفی پیدا و تغییر کند. با این وجود تا زمانی که نهاد دینی وجود دارد نواندیشی و روشنفکری دینی هم وجود دارد. همچنین سنت دینی نیز وجود دارد. در دین مسیحیت امروز با گذشت ۴۰۰ سال پس از نظام تفتیش عقاید کلیسا شاهد ظهور و بروز هر سه جریان هستیم. امروز جریانی در مسیحیت وجود دارد که نگرش ارتودوکسی به دین مسیح دارد. در کنار این دو جریان دیگر نیز وجود دارد.

درد. با همه مسائل و چالش‌هایی که در دین مسیحیت وجود داشته و امروز نیز وجود دارد اما این سه جریان همچنان به کار خود ادامه می‌دهند و دیدگاه‌های خود را دنبال می‌کنند.

در گذر زمان این جریان‌های فکری فراز و نشیب پیدا کرده‌اند اما از بین نرفته‌اند. هنر عالمان و مصلحان دینی این است که بتوانند با دقت و حساسیت بیشتری به مسائل و شبهات دینی موجود پاسخ بدهند و در این زمینه یک پویایی را در دین به وجود آورند.

از بین سه جریان فکری موجود یعنی جریان سنتی دینی، نواندیشی دینی و روشنفکری دینی کدام جریان امروز در جامعه

ایران خود را به عنوان پارادایم غالب معرفی کرده است؟

در این زمینه باید به اتفاقاتی که در جامعه ما رخ داده توجه کنیم. به صورت طبیعی اگر حکومت از کار آبی لازم برای حل مشکلات مردم برخوردار باشد نگاهی که مردم به حکومت و دین به صورت همزمان دارند مثبت خواهد بود و در حالت عکس اگر ناکارآمدی وجود داشته باشد مردم با نگاه منفی به موضوع نگاه می‌کنند. واقعیت این است که در سال‌های اخیر چالش‌ها و مشکلات زندگی مردم بیشتر از گذشته شده و مردم با مشکلات جدی اقتصادی و معیشتی همراه بوده‌اند. به همین دلیل بخشی از ناکارآمدی‌های مدیریتی جامعه را مسبب این وضعیت قلمداد می‌کنند. یکی از دلایلی که چالش‌ها را افزایش داده به حاشیه افتادن نخبگان و فرهیختگان جامعه است که دغدغه اصلاح و بهبود شرایط را دارند. اغلب این افراد به دلایل نامشخص سهمی در تصمیم‌گیری‌های جامعه ندارند. این در حالی است که کسانی در صحنه قرار دارند که بعضاً از توانایی و کارآمدی لازم برای عبور از چالش‌های امروز جامعه برخوردار نیستند.

آمادگی ایران برای حل اختلافات داخلی عراق

یک عضو هیات رئیسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت که رفع اختلافات داخلی به نفع مردم عراق است. دولت جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد که برای حل اختلافات داخلی بین جناح‌ها و احزاب عراق نقش مثبتی ایفا کند. یعقوب رضازاده در تحلیلی از تحولات اخیر در عراق گفت: وضعیت کشور عراق به صورت عمومی نگران‌کننده نیست. عراق به تحولات داخلی این کشور است. این اختلافات از طریق

چهارشنبه
۱۴۰۱۰۰۵۰۱۹
شماره پنجم
۱۳۴۱
۱۲ محرم ۱۴۴۴ / ۱۰ اگوست ۲۰۲۲

armanmeli.ir

سال پنجم

شماره ۵

۱۲ محرم ۱۴۴۴ / ۱۰ اگوست ۲۰۲۲

نگره

عملکرد یک ساله

دولت سیزدهم زیر ذرهبین

هنگامه انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم رئیسی وعده‌هایی داد. با این قول‌ها هم بود که از سوی حامیان لقب بت‌شکن را گرفت و توانست وارد پاستور شود. قرن‌نو نوشت: اما حالا نزدیک به یک‌سال است که از دوره ریاست جمهوری او و تکیه زدندش به صندلی ریاست قوه مجریه می‌گذرد، نگاهی گذرا به عملکرد یکساله دولت انداخته‌ایم.

امتیازاتی که از دست رفت
پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم موضوعی که بارها سوژه رسانه‌های منتقد دولت شد، نحوه ترکیب کابینه سیزدهم بود، برعکس دولت روحانی، دولت رئیسی پایگاه بسیار خوبی میان اصولگرایان داشت، مجلس نیز با دولت همسو بود و در همان ابتدای کار ۸۱ وزیر از ۹۱ وزیر پیشنهادی او رأی اعتماد مجلس را کسب کردند. اما عملکرد دولت در یک چهارم حیات خود به گواه موضع‌گیری‌ها با انتقاد پایگاه اجتماعی اصولگرایان مواجه شده است. اکنون کار به جایی رسیده که برخی از نمایندگان در آستانه فرار سپیدن انتخابات مجلس انتقاداتی را به دولت عنوان می‌کنند. نمونه این انتقادات اظهارات مجتبی ذوالنوری از نمایندگان اصولگرای مجلس بود که در وصف دولت رئیسی گفت: «دولت رئیسی مانند کسی است که روی تردمیل می‌دود و مسافتی طی نمی‌شود؛ امروز نقطه (گلف) و (ب) و شمش کجاست که ارزش‌بایی کنیم پیشرفتی در امور اتفاق افتاده یا خیر؟» احمد مازنی، نماینده اصلاح‌طلب مجلس دهم، در بررسی عملکرد یک‌ساله دولت سیزدهم، گفت: «منصفانه‌ترین نقد دولت سیزدهم و مجلس یازدهم، و یک‌دست‌شدن قدرت در یک سال گذشته که از انتخابات ریاست‌جمهوری می‌گذرد، نشان داد یک‌دستی قدرت برای حل مشکلات مردم، فرضیه درستی نبود؛ چراکه عملکرد نهادهای اجرایی نسبت به سطح مشکلی را حل نکرد.» این انتقادات تنها به نطق‌های نمایندگان خلاصه نمی‌شود بلکه در طول همین مدت وزیر کار و رفاه اجتماعی دولت رئیسی کنار رفت و تعدادی دیگر از وزرا زیر تیغ استیضاح قرار گرفتند.

وعده‌هایی که هنوز محقق نشده است

رئیسی برخی از وعده‌هایی را که داده، هنوز محقق نکرده، بلکه مستقیماً به جراحی کالبد اقتصاد کشور پرداخت. اگر برخی کارشناسان معتقدند این جراحی اقتصادی ضرورت داشت اما از نگاه برخی دیگر نیز اجرای یکباره آن بدون فراهم کردن شرایط اجرا و در شرایط سخت تحریمی شوکی سنگین به معیشت مردم بود. در این تصمیم قیمت برخی خوراکی‌ها و مواد غذایی، اجاره‌ها و... افزایش پیدا کرد و همین موضوع باعث انتقاداتی از سوی مردم شد. این تصمیم دولت در کنار اجرای یکباره جراحی اقتصادی در برخی حوزه‌های اقتصادی دیگر فشار تومی و گرانی بر سفره مردم را بالا برده است.

سیاست‌های ناموفق

یکی از انتقادهای وارده بر دولت اتخاذ سیاست‌هایی در برابر انتقادات است. در ابتدا دولت برای کاهش انتقادات برخورد‌های شعاری را در دستور کار خود قرار داد اما نتوانست نتیجه‌ای بگیرد. سیاست سفرهای استانی نیز نتوانست منتقدین را قانع کند. برخی از سخت‌گیری‌های فرهنگی نیز نتوانست مسیر انتقادات افکار عمومی را عوض کند.

اشتغال از دست رفته

یکی دیگر از وعده‌های رئیسی در جریان رقابت‌های انتخاباتی، ایجاد یک میلیون شغل جدید در سال بود. اشتغال‌گزاشی از نرخ بیکاری که بیاترنگ عملکرد دولت رئیسی در ۹ ماه گذشته است، نشان می‌دهد که اشتغال در این دوران یافته است. ۲۰۱ هزار فرصت شغلی در بخش صنعت در بهار ۲۰۲۲ مقایسه با بهار ۱۴۰۲ از دست رفته و همچنین بخش کشاورزی با بیشترین نرخ بیکاری در مدت یاد شده، رویه‌ور بوده است. تنها بخشی که در این ۹ ماه شاهد افزایش نرخ اشتغال بوده، بخش خدمات است. بورس تهران نیز در سال اول ریاست جمهوری رئیسی با رشد ۴۰.۶ درصدی شاخص کل همراه بود که به مقایسه با تورم ماهانه این ۲۱ ماه که به ۵۳.۴۴ درصد می‌رسد عملکرد ضعیفی را برای بازار سرمایه به نمایش می‌گذارد. این بازدهی پایین اعتماد است، به طوری که اصلی‌ترین نیاز حال حاضر بورس تهران اطمینان مردم به این بازار حیاتی است. ابراهیم رئیسی وعده داده بود که بازار بورس را راسر و سامان می‌دهد اما با گذشت این مدت تیم اقتصادی او، اقدام مؤثری برای توقف ضرر و زیان سرمایه‌گذاران انجام نداده است و در روزهای گذشته انتقادهایی از عملکرد دولت در بورس شده است.

سرمایه اجتماعی

در یک سال گذشته دولت نه تنها نتوانست سرمایه اجتماعی خود را بازتولید کند، محسن رهامی در این باره می‌گوید: به نظر من دولت سیزدهم در مدت یک سال عمر خود در بازتولید سرمایه اجتماعی، چندان موفق نبوده است. «حال با این تفاسیر باید دید رئیسی در ادامه مسیر چه می‌کند.

در دین نیست و در گذشته نیز وجود داشته است. پس از رحلت پیامبر اسلام که بنی‌امیه، بنی‌عباس و بنی مروان حکومت را در اختیار داشتند اگر مردم انتقادی داشتند نسبت به حکومت انتقاد می‌کردند. پس از مدتی به دلیل اینکه همه مسائل دینی نیز توسط حکومت اجرا می‌شد همه تصور کردند دین همان چیزی است که توسط حکومت اجرا می‌شود. به همین دلیل بخشی از معارضاتی که با دین در آن زمان صورت گرفت به دلیل عملکردی بود که حکومت از خود نشان می‌داد. همین اتفاقات باعث شد که مردم نسبت به برخی اصول اولیه دین تردید کنند. به عنوان مثال جریان شوعوبی و برخی جریان‌های دیگر در آن مقطع زمانی رخ داده که به دلیل یکسان سازی صورت گرفته است.

چه تفاوتی بین نو اندیشی دینی و روشنفکری دینی قائل هستید و در شرایط کنونی جامعه کدام را موثرتر می‌دانید؟
امروز چالش جدی در جامعه وجود دارد که در آینده چه اتفاقی قرار است رخ بدهد. من این وضعیت را وابسته به رفتار نواندیشی دینی می‌دانم. تفاوت نواندیشی دینی با روشنفکری دینی در این زمینه است که نواندیشان دینی برخی اصول را فرض گرفته‌اند و از این اصول به عنوان پایه و اساس اندیشه اصلاحی خود استفاده می‌کنند. این

در حالی است که روشنفکری دینی در هیچ چیز خود را قائل به اصل و ذات نمی‌داند و درباره همه چیز صحبت می‌کند و تلاش می‌کند همه چیز را تغییر بدهد. با این وجود اینکه برخی عنوان می‌کنند روشنفکری دینی به پایان رسیده اما معتقدم چنین چیزی نیست و تا زمانی که نهاد دین وجود داشته باشد نواندیشی دینی و روشنفکری دین وجود خواهد داشت. این احتمال وجود دارد که شکل و هندسه هر کدام از این دو جریان تغییر کند اما هر دو وجود خواهند داشت و از بین نخواهند رفت. هر چند بنده از جایگاه نواندیشی دینی صحبت می‌کنم و این رویکرد را دنبال می‌کنم و به این راه و روش اعتقاد دارم.

برخی عنوان می‌کنند روشنفکری دینی به پایان رسیده اما معتقدم چنین چیزی نیست و تا زمانی که نهاد دین وجود داشته باشد نو اندیشی دینی و روشنفکری دین وجود خواهد داشت. این احتمال وجود دارد که شکل و هندسه هر کدام از این دو جریان تغییر کند اما هر دو وجود خواهند داشت و از بین نخواهند رفت

دین وجود داشته باشد نواندیشی دینی و روشنفکری دین وجود خواهد داشت. این احتمال وجود دارد که شکل و هندسه هر کدام از این دو جریان تغییر کند اما هر دو وجود خواهند داشت و از بین نخواهند رفت. هر چند بنده از جایگاه نواندیشی دینی صحبت می‌کنم و این رویکرد را دنبال می‌کنم و به این راه و روش اعتقاد دارم.

ارتباط دوستانه و صمیمانه بین احزاب و جناح‌های مختلف رفع می‌شود. این عضو هیات رئیسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی تأکید کرد: اگر اختلافات رفع نشود به نفع دولت، حاکمیت و مردم عراق نیست. دولت جمهوری اسلامی آمادگی دارد برای حل اختلافات داخلی بین جناح‌ها و احزاب عراق نقش مثبتی ایفا کند. رضازاده در پایان گفت: دشمنان و کشورهای خارج از منطقه به خصوص آمریکا و اسرائیل به دنبال بهره برداری از این اختلافات هستند پس نباید سوژه‌ای برای دشمنان مردم عراق ایجاد کرد.

گذشته روشنفکران دینی به صورت جریان ساز در فضای فکری و دینی جامعه حضور داشتند و زمینه‌های تغییر و تحول را به وجود می‌آوردند. این در حالی است که در شرایط کنونی روشنفکری دینی به صورت جدی در صحنه حضور ندارد و یا اگر دارد جریان‌ساز نیست. دلیل این موضوع چیست؟

من با این موضوع که روشنفکری دینی وجود ندارد موافق نیستم. اگر چنین است پس این همه نقدی که نسبت به مسائل مختلف دینی صورت می‌گیرد نشانه چیست؟ با این وجود در زمینه اینکه چرا روشنفکری دینی مانند گذشته جریان ساز نیست دو دلیل مهم را تأثیرگذار می‌دانم. نخست اینکه امکانات و شرایط بروز اندیشه‌های روشنفکری دینی کم‌رنگ شده است. به عنوان مثال اگر به وضعیت صداوسیما در ابتدای انقلاب نگاه کنیم متوجه می‌شویم که در آن مقطع زمانی همه طیف‌های فکری می‌توانستند دیدگاه‌های خود را درباره مسائل مختلف بیان کنند و هیچ محدودیتی در این زمینه وجود نداشت. این در حالی است که در شرایط کنونی صداوسیما سخنگوی بخشی از یک نوع قرائت دینی شده و بقیه طیف‌های فکری نمی‌توانند دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. طیف‌های دیگر فکری هر چه دارند در رسانه‌های مستقل

ارائه می‌دهند. به همین دلیل مردم آن چیزی از روحانیت می‌بینند که در صداوسیما نشان داده می‌شود. از سوی دیگر در روزنامه‌ها آن چیزی را می‌بینند که صورت رسمی گفته می‌شود. در چنین شرایطی مردم گمان می‌کنند این صرفاً آن چیزی است که به صورت رسمی نشان می‌دهند. در نتیجه مردم هر آنچه که می‌بینند به نام دین می‌بینند و اندیشه‌های اصلاحی به مرور زمان کم‌رنگ می‌شود.

آیا کم‌رنگ شدن اندیشه‌های اصلاحی به خصوص در زمینه دینی باعث بی‌تفاوتی نسبت به دین در سطح جامعه نخواهد شد؟

بی تفاوتی نسبت به دین اتفاق جدیدی